



عصر

فصلنامه علمی دانشجویی عصر

سال ششم | شماره سیزدهم | تابستان ۱۴۰۲

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

هتک حرمت و توهین به مقدسات

قرآن سوزی نمود نقض حق تعالی و نارواداری بشر مدرن

فرافکنی منکران و مخالفان نسبت به انبیاء (علیهم السلام)

توهین به مقدسات در قوانین بین المللی





سائنس نامہ



سائنس نامہ

انجمن علمی الہیات

ک ن ش / ۶۱۸

سیدہ محبوبہ کشفی

حمید ایماندار

سیدہ محبوبہ کشفی

زہرا شمشیری

احمد رضا پوردریش محمدی

زینب حسن پور

زہرا زارعی

سیدہ محبوبہ کشفی

سیدہ محبوبہ کشفی

دکتر حمید ایماندار، دکتر منصورہ رحمانی،

دکتر قاسم کاکایی، دکتر محمد مہدی آجیلیان،

دکتر محمد باقر عباسی، دکتر زہرا قاسم نژاد،

دکتر علی اکبر کلانتری، دکتر محمد جواد سلمانپور،

دکتر مہدی حمیدی، دکتر صبورا حاج علی اورک پور

دکتر مہدی حمیدی

asr.nashrieh329@gmail.com

۰۹۱۷۸۱۴۴۹۲۷

صاحب امتیاز

شمارہ مجوز

مدیر مسئول و سردبیر

ہیأت تحریریہ

گرافیسٹ و صفحہ آرا

ویراستار

ہیأت داوران

استاد مشاور

راہ های ارتباط با نشریہ

مُحَضَّرِ الْقُرْآنِ

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ
(صَف / ٨)

می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گر چه کافران را ناخوش افتد- نور خود را کامل خواهد گردانید.



فهرست

۵	در محضر قرآن
۶	شرایط پذیرش مقالات
۷	سخن سردبیر
۸	قرآن سوزی، نمود نقض حق تعالی و ناروداری بشر مدرن
۱۰	توهین به مقدسات در قوانین بین المللی
۱۲	فهم و زیست عاشورایی، ضرورات گریزناپذیر امروز
۱۴	فرافکنی منکران و مخالفان نسبت به انبیاء (علیهم السلام)
۲۷	پیام رهبر انقلاب در پی جسارت به ساحت قرآن مجید در سوئد
۲۸	چرا کشتی امام حسین (علیه السلام) اسرع و اوسع است؟
۳۰	توهین به عقاید مذهبی از نظر حقوق بشر
۳۴	معرفی کتاب
۳۵	اهانت به معبودان مشرکان
۳۷	راهنمای پرهیزگاران
۳۸	مناسبت‌ها



شرایط پذیرش مقالات

سخن سردبیر

سراب امید در هتک حرمت

خداوند متعال با اعطای قدرت اختیار به انسان‌ها، وی را از تمامی مخلوقات دیگر متمایز کرده است. بدیهی است که انتخاب انسان‌ها در اهداف و باورهای زندگی می‌بایست بر مبنای معیار صحیح و منطقی باشد. اما انسان گاه در انتخاب و گزینش اهداف و باورهایش دچار خطا می‌شود که بالتبع، با درک اشتباه خود سعی در بازبینی و اصلاح گذشته دارد. در این میان، برخی افراد علیرغم نپذیرفتن اشتباه خود، سعی در مبارزه با عقاید صحیح دیگران دارند. به بیانی دیگر، این‌گونه افراد به روش‌های مختلف سعی در القای باور نادرست خود به دیگران و تخریب عقاید صحیح دیگران داشته‌اند. متأسفانه، مبارزه با عقاید صحیح و هتک حرمت به مسائل دینی مردم همواره در تاریخ وجود داشته است. این قدمت تلخ را می‌توان به خوبی از حکایت قرآن کریم دریافت: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام / ۱۰۸)

این تلاش‌ها و تکرار آن در طول تاریخ به معنای ناکامی امید آنان در تحقق اهداف شوم‌شان است. در واقع، تاریخ شاهدهی قوی بر ناکامی تمامی تلاش‌های دشمنان و مخالفان اسلام است. این امری است که خداوند متعال نیز در قرآن کریم از آن خبر داده است که هیچ‌کس قدرت مبارزه با خداوند را ندارد: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه/ ۳۲) «می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید.»

ضرورت تبیین این مسئله برای اقشار مختلف، ما را بر آن داشت که بدین مهم در آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل بپردازیم و این شماره از نشریه‌ی عصر را با محوریت موضوع «هتک حرمت و توهین به مقدسات» نشر دهیم. در پایان، از تمامی اعضای محترم هیئت داوران، هیئت تحریریه، طراح و استاد مشاور کمال تشکر و قدرانی را دارم که هر یک با ارائه‌ی آثار و راهنمایی‌های ارزشمند خود در بهبود کیفیت نشریه و دانش‌افزایی محتواها نقش به‌سزایی داشتند.

«و من الله التوفيق و عليه التكلان»



سیده محبوبه کشفی
مدیر مسئول و سردبیر نشریه

نویسندگان محترم و همراهان نشریه عصر، به منظور بهبود مراحل دریافت و انتشار متن‌ها به نکات ذیل توجه فرمایید؛

هر مقاله حدود ۷ الی ۱۰ صفحه کاغذ A۴ باشد.

کلیدواژگان (۵ تا ۷ واژه) پس از چکیده قرار گیرد.

نوشته‌ها با نرم افزار Word ۲۰۱۳ یا Word ۲۰۱۰ و فونت B Lotus و اندازه‌ی ۱۲ از طریق

راه‌های ارتباطی مذکور در صفحه شناسنامه ارسال شود.

مشخصات نویسنده یا نویسندگان از جمله نام و نام خانوادگی، پست الکترونیکی و عکس ارسال

شود.

فایل‌های خود را به دو صورت Word و PDF جهت جلوگیری از اتصال حروف، ارسال شود.

از همکاری و حسن توجه شما مخاطبان محترم بسیار سپاسگزاریم.

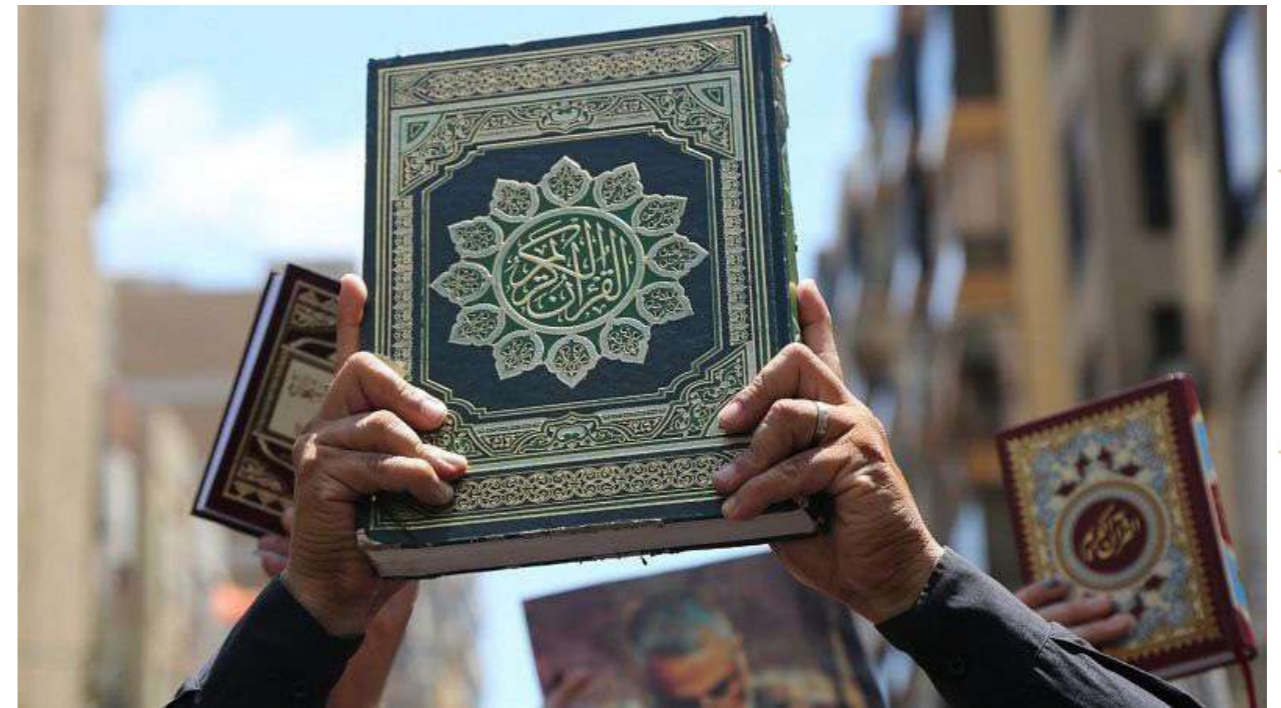
قرآن سوزی نمود نقض حق تعالی و نارواداری بسردن

طرفی دارند. لیبرال‌ها حق ندارند خود متدین به اومانیسیم تقدس یافته و علم و اراده ناتمام بشری باشند و از آن تمام قد و بدون مدارا دفاع نمایند و در همان حین، کتاب تقدس یافته به علم و اراده باری تعالی را به نام مدارا و تسامح‌ورزی و وهن دین عادی سازی نمایند.

در عصر کنونی سنت نامبارک لیبرالی در تار و پود جهان مدرن، تمام و کمال خود را مسیطر ساخته و گستاخانه و جاهلانه حق رفاه و آزادی مطلق را ربوده است. این سنت نامبارک لیبرال- با هتاکی به مقدسات و قرآن‌سوزی نیز استبعادی ندارد. در این فضای نابرابر رسانه‌ای بایسته است که تغافل سنت لیبرالی از حق روحی و



دکتر حمید ایماندار
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز



بدل از حق تعالی، رشد روحی و آزادی معنوی غایتمند را گرفته و نموده‌های این اندیشه را در ساحات مختلف روز به روز آشکارتر می‌نماید که توهین به مقدسات ادیان و قرآن‌سوزی از این جمله هستند.

از آن‌جا که در فرهنگ منحن غربی، آزادی غایتمند جای خود را به آزادی مطلق داده است و همچنین لیبرالیسم و اومانیسیم، تقدس ناصواب و بی‌ملاک یافته است؛ هم‌نوایی و دست‌کم سکوت همدلانه برخی به اصطلاح نواندیشان



توهین به مقدسات در قوانین بین المللی

همان گونه که توهین در برخی از ادیان یا قوانین مبتنی بر مذهب تعریف شده است، به معنای هرگونه نظر و یا عقیده‌ای که نشان‌دهنده تحقیر، بی‌احترامی، عدم احترام نسبت به خدا، شیء مقدس یا چیزی غیر قابل تعرض است. برخی از ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی، کفر را جرم دینی می‌دانند که از جمله آن، توهین به پیامبر اسلام محمد (ﷺ) در اسلام، بر زبان آوردن نام مقدس یا پاک کردن آن در یهودیت و گناه ابدی (گناهی که خدا نمی‌بخشد) در مسیحیت. باید گفت که در حال حاضر در برخی از کشورها، قوانینی در مورد جرم‌انگاری توهین به مقدسات وجود دارد. قوانین هتک حرمت یا توهین به مقدسات از قوانینی به شمار می‌آید که توهین، تحقیر، عدم احترام به معبود و اشیاء مقدس و یا نسبت به چیزی که مقدس غیرقابل تعرض تلقی می‌شود، منع می‌کند. بر اساس گزارش مرکز تحقیقات پیو، حدود یک چهارم کشورها و مناطق جهان (۲۶ درصد) از سال ۲۰۱۴ قوانین یا سیاست‌های ضد توهین به مقدسات داشته‌اند.

در بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است که هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهبی با معتقدات به انتخاب خویش لطمه وارد آورد. مهم‌ترین مقرره‌ی بین المللی برای حمایت از حق آزادی مذهبی فرد، ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم الاجراء شد. ماده ۱۸ مقرر می‌کند که هر کسی باید حق

آزادی تفکر، وجدان و مذهب داشته باشد. این حق، شامل آزادی داشتن و یا پذیرش مذهبی به انتخاب خود فرد و آزادی اظهار باور یا مذهب در پرستش، عبادت، عمل به فرایض و آموزش آن مذهب یا باور خواه به طور فردی و خواه در جامعه با دیگران و به طور عمومی و خصوصی می‌شود. و همچنین هیچ کس نباید در معرض اجباری قرار گیرد که بر آزادی او برای داشتن یا پذیرش مذهبی به انتخاب خودش لطمه وارد کند.

آزادی اظهار مذهب یا باورهای شخص می‌تواند مشمول آن محدودیت‌هایی شود که توسط قانون تجویز شده است و برای حمایت از سلامت، نظم، بهداشت، اخلاق عمومی و یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت دارند. دولت‌های عضو این میثاق متعهد می‌شوند که به آزادی والدین و حسب مورد، آزادی سرپرستان قانونی کودکان برای حصول اطمینان از آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان در مطابقت با اعتقاداتشان احترام گذارند.

کارشناسان حقوق بشر قوانینی را مورد بحث قرار می‌دهند که به طریقی صحیح، میان حمایت از آزادی‌های افراد و قوانینی که به شکلی گسترده آزادی بیان را محدود می‌کند، تمایز و تفاوت قائل می‌شوند.

ماده ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (International Covenant on Civil and Political Rights) کشورها را موظف می‌کند تا اقدامات قانونی را علیه هر گونه حمایت از نفرت نژادی یا مذهبی ملی - که به معنای تحریک به تبعیض،

محدود شوند و در حقیقت امر از ممنوعیت توهین به مقدسات حمایت نمی‌کنند. علاوه بر این، در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر نقش محدود کننده مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی تاکید شده است.

در نهایت باید گفت که جهان برخورد مناسب و شایسته با هتاکان و افراط‌گرایان علیه مقدسات آسمانی به ویژه شعائر دینی مسلمانان نداشته است و ضرورت دارد بزرگان و علمای ادیان مختلف در این زمینه ورود کنند؛ چرا که هتک حرمت کتاب آسمانی قرآن در واقع توهین به سایر ادیان و کتب آسمانی است و خشونت‌ها در این زمینه را افزایش می‌دهد. احترام و حمایت از مقدسات سایر مذاهب عامه جهان در قبال اهانت، حتی اگر آن مقدسات مورد تأیید ما هم نباشند، بدان جهت ضروری به نظر می‌رسد که توهین به باورهای دینی و مکتبی، تحقیر سمبل‌های بشر و مقدسات هر دین، علاوه بر آن که خلاف اخلاق و وجدان بشری و امری ناپسند است؛ می‌تواند موجب اختلال در امنیت و آسایش داخلی و خارجی گردیده و هزینه‌های سخت و سنگینی را بر بشریت تحمیل نماید و انتظار می‌رود که با برخورد قانونی و مناسب، آرامش را بر احساسات فروپاشیده، بازگردانیده و همبستگی و اتحاد و



خصوصیت یا خشونت باشد- اتخاذ کنند. با این حال، آن‌ها همچنین به این مسئله خاطرنشان می‌کنند که چنین حمایت‌هایی باید با دقت

انسجام همگانی را در سطحی کلان به وسعت جهان هستی پدید آورد.



زینب حسن پور
دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
دانشگاه شیراز



فهم و زیست عاشورایی ضرورت گریزناپذیر انسان امروز



در اوج رنج‌ها بنگریم و بنگاریم، مطلوبیت و ضرورت آن برای بشر گرفتار در تحیر، تزلزل معنایی و هویتی بداهتی آشکار دارد. البته منوط بر آن که این بداهت دستخوش لجاجت، غفلت، دون خواهی، دون مایگی و خدا باختگی انسان امروزی قرار نگیرد.



دکتر حمید ایماندار
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

میانسال و پیر مرگ را با تمام عقل تحلیل و با کمال وجود آن را در آغوش گرفته است و دیگر نیازی به توجیه سطحی نگرانه با چاشنی تخدیر و تلقین برخی اگزیستانسیالیست‌ها نیست که در اوج بی‌مایگی و تحیر معرفتی بدان متشبث شده‌اند: «هم اکنون ما زنده‌ایم و مرگی نیست و فردا که مرگ بیاید ما نیستیم».

همه عاشوراییان در زیست عاشورایی با رنج و سختی‌ها راحت هستند، نه با اندیشه اپیکوریسم که ساده اندیشانه در پی حذف رنج مقدس است و نه با اندیشیدن ذهن آزار به مقوله چرایی رنج درگیرند تا بدین گونه از رنج و محنت چگونگی آن رنج در امان باشند.

در زیست عاشورایی زندگی در اوج معنا دارد؛ نه آن چنان معنایی که در مقابل واقعیاتی چون پیری، بیماری و رنج‌های گزاف کمر خم کند و پرسش‌های اساسی را به تخدیر و تلقین و ابن‌الوقتی وانهد و به بیان «لوک فری» -فیلسوف معاصر فرانسوی- چاره حل دل‌مشغولی طاقت سوز کهنسالی را به جای دین در لابراتوارهای جراحی پلاستیک جستجو کند.

اگر داستان عاشورا را اوج معنا سازی

فهم و زیست عاشورایی، ضرورت گریزناپذیر انسان امروز است. اگر تسلیم این مدعای استوار شویم که بشر مدرن با بحران معنا و گسست هویت فردی و جمعی دست و پنجه نرم می‌کند - هر چند برخی به تخدیر، تلقین و لجاجت منکر آن هستند- خیلی زود می‌توانیم عاشورای حسینی را به سان درمان و نوش‌داروی این درد مزمن معرفی نماییم. دلیل این مدعا خو گرفتن و تربیت یافتن بشر امروز به سنت اگزیستانسیالیسم و وجود گرایی است. چه نمودی از دین می‌تواند بهتر از عاشورا همه جوانب وجودگرایانه را در خود جای داده و به همه آن‌ها پاسخ دهد.



EXISTENTIALISM

مرگ اندیشی در فهم عاشورایی پاسخی شافی دارد و هر فردی اعم از نوجوان، جوان،

فرافکنی منکران و مخالفان نسبت به انبیاء (علیهم السلام)

چکیده

قرآن کریم در دعوت بشریت به اصول اساسی دین، از واکنش دیگر اقوام در برابر دعوت انبیاء نیز به صورت مفصل و گاه مختصر سخن گفته است. در برخی آیات و سوره‌های قرآن گفته‌ها و رفتار منکران و تکذیب کنندگان دعوت الهی به خوبی ترسیم شده است که حکایت از عدم سلامت روانی این عده دارد. یکی از مواردی که در طول تاریخ در رفتار منکران دعوت انبیاء دیده می‌شود مسأله فرافکنی است. موضوعی که بیشتر منکران سعی دارند با آن از اندیشه، عمل و اعتقادات خود دفاع نمایند در حالی که این موضوع خود نشان دهنده عدم تعادل روانی فرد و بیماری اوست. نوشتار حاضر به منظور تبیین فرافکنی به عنوان یک شاخصه عدم سلامت روان، واکنش و گفته‌های منکران دعوت انبیاء که در آیات قرآن گزارش شده است را مورد تحلیل قرار می‌دهد. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد فرافکنی در طول تاریخ امری مشترک بین منکران دعوت حق بوده است که با روبه رو شدن با اصول دعوت انبیاء تکانه‌ای درونی نامقبول و ناخودآگاه در آن‌ها ظهور می‌کرده که در این حالت فرد دنیای خارج از خود را انکار کرده و به صورت هذیان‌های آشکار در مورد واقعیت بیرونی سخن می‌گوید تا از حقیقت فرار نماید.

کلید واژه‌ها

قرآن کریم، انبیاء، اتهام، فرافکنی، منکران، سلامت روان.



مقدمه

قرآن کریم مملو از زیبایی‌هایی است که پس از ۱۴ قرن با تمامی تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته، هنوز بسیاری از لایه‌های معنایی و زیبایی آن کشف نشده است. قرآن کریم، این کتاب آسمانی هدایت، دربردارنده‌ی وجوه و ابعاد لازم جهت رستگاری، خوشبختی دنیوی و اخروی است و در این راستا به توصیف رفتارها و عملکردهای گوناگون انسان در شرایط متفاوت و عاقبت آن‌ها پرداخته است. سلامتی از مهم‌ترین نعمات خداوند متعال است که شامل جسم و روح افراد می‌شود. گاه افراد علیرغم دارا بودن سلامت جسمی، اما از روان و رفتار سالمی برخوردار نیستند. یکی از رفتارهای ناسالم در افراد، واکنش دفاعی فرافکنی است که افراد به توصیف ویژگی‌های خود در دیگران می‌پردازند و زمانی که شرایط پیش رو را مناسب برای خویش نبینند، به چنین واکنشی دست می‌زنند. بنا بر آیات قرآن کریم، منکران انبیاء در جهت انکار ایشان و دعوت آن‌ها شروع به نسبت دادن اتهام‌های مختلف و بهتان می‌کردند که به خوبی با تحلیل آیات مرتبط می‌توان بروز این واکنش دفاعی را در کلام آن‌ها یافت.

مسئله این پژوهش به صورت مشخص حول محور فرافکنی در جملات حاکی از اقوال منکران در اتهام زنی به انبیاء است. نگارنده سعی بر آن دارد که یکی از اقسام مکانیسم دفاعی، فرافکنی را در برخی آیات مرتبط با اتهامات انبیاء انعکاس دهد. باید توجه داشت که در این مجال تنها می‌توان به بررسی چند مورد قرآنی پیرامون مسئله فرافکنی پرداخت و این مسئله در قرآن کریم به موارد مذکور در این نوشتار محدود نمی‌شود. سعی نویسنده در این نوشتار بر آن بوده است که پرتویی از وجوهات زیبای روانشناختی آیات قرآن کریم و ظرفیت آن مطرح شود تا جرقه‌ای برای پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی جهت تحقیق میان رشته‌ای با این کتاب الهی باشد.

قابل توجه است که منظور از تحقیق

میان رشته‌ای در این حوزه، تحمیل آراء نامعتبر روانشناسی، ارتباط دهی بدون استناد میان قرآن و روانشناسی نیست؛ بلکه خداوند متعال با توجه به هدف هدایتی قرآن کریم، تمامی ملزومات هدایت را به اجمال یا تفصیل تبیین کرده است. بنابراین تحقیق میان رشته‌ای می‌تواند فرصتی برای جذب بیشتر به قرآن کریم و کسب معرفت باشد.

پیشینه پژوهش

درباره‌ی پیشینه‌ی موضوع نیز باید گفت که در زمینه تطبیق علم روانشناسی با سایر علوم، پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، پایان نامه و مقالات تالیف شده است، اما بنا بر جستجوهای نگارنده در حیطه مسئله فرافکنی به طور خاص، پژوهش‌هایی در سایر علوم از قبیل ادبیات فارسی و نهج البلاغه صورت گرفته است. کیخا (۱۳۹۶) پایان نامه کارشناسی ارشد را با موضوع «راهکارهای مقابله با فرافکنی در سیره علوی» نگاشته است. کاویانی و زمانی (۱۳۹۸) به تبیین عرصه‌های مشترک قرآن و روانشناسی پرداخته‌اند و همچنین به توصیف و تحلیل برخی آیات روانشناختی قرآن پرداختند. خانلو و بیرانوند (۱۳۹۳) به نگرش عرفانی-روانشناسی بر مفهوم فرافکنی در غزلیات شمس پرداختند که نویسندگان به تبیین مفهوم فرافکنی، انواع و عوامل آن در غزلیات شمس می‌پردازند. اما در رابطه با مکانیسم دفاعی فرافکنی در قرآن و واکاوی آن در اتهام زنی منکران، به طور خاص در پایگاه‌های اطلاعاتی مانند www.sid.ir و www.irandoc.ac.ir و شماره‌های مختلف مجلات علمی و پژوهشی، مقاله‌ای یافت نشد. شایان ذکر است که آنچه منابع اصیل این پژوهش را به عنوان پایه جهت تبیین این مسئله شکل می‌دهد آراء روانشناسان و مفسران در تبیین این واکنش دفاعی است که می‌توان با تعمق در آیات قرآن کریم به تبیین روانشناختی منکران و واکنش‌های آن‌ها دست یافت.

۱. سلامت روان

پیش از بررسی آیات قرآن کریم لازم دانسته شد که به اجمال تعریفی از اصطلاح سلامت روانی، ارائه شود تا ذهن خواننده برای تبیین ضرورت بررسی آیات مرتبط با اتهام زنی‌ها و واکنش دفاعی منکران آماده گردد. ضرورت تعریف این اصطلاح مبتنی بر ارتباط و پیوند آن با عملکرد منکران است بدین صورت که یکی از رفتارهای حاکی از عدم سلامت روانی، پرخاشگری کلامی است که می‌توان از آن به اتهام نام برد و فرافکنی یکی از منشأهای پرخاشگری کلامی محسوب می‌شود. زیرا که افراد در هنگام اتهام زنی، نسبت به افراد پرخاشگری‌های گفتاری می‌کنند و در حین اتهام و پرخاشگری

سلامت روان، کارکرد موفقیت آمیز اعمال روانی از نظر فکر، خلق و رفتار است که منجر به فعالیت‌های سازنده، برآورنده روابط با دیگران، توانایی سازش به تغییر و مقابله با ناملازمات می‌گردد. زمانی که فرد در زندگی فردی و اجتماعی خود فاقد سلامت روان باشد، به تدریج رفتارهایی نامناسب در برخورد با دیگران بروز می‌دهد و گاه موجب رفتارهای پرخاشگرانه نیز شود. اینک در ذیل به بررسی اتهام و پرخاشگری کلامی پرداخته می‌شود.

۲. فرافکنی

فروید (۱۹۲۴) برای فرایندهای ناهشیاری که واقعیت را تحریف می‌کنند تا فرد را در برابر اضطراب محافظت کنند، اصطلاح مکانیسم دفاعی



را به کار می‌برد. اگر چه واژه مکانیسم واژه‌ای مناسب به نظر نمی‌آید و این واژه برخاسته از طرز تفکر فروید نسبت به ماشین دانستن بشر است و شاید بهتر باشد اصطلاحاتی دیگر همچون «سازه‌های فرضی» را جایگزین کرد. ویژگی مشترک تمامی این نوع واکنش‌های دفاعی، خود فریبی است (براهنی و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۵). یکی از انواع مکانیسم‌های

کلامی، ویژگی‌های خود را به دیگران فرافکنی و برون فکنی می‌کنند. به بیانی دیگر، افراد در قالب اتهام‌زنی به انبیاء همان مسائل و موارد شخصیتی خود را به دیگران نسبت می‌دهند و از این طریق سعی در بروز رفتار پرخاشگرانه و عدم پذیرش شرایط پیش رو دارند.

یکی از مسائل مهم و تاثیرگذار در کیفیت زندگی افراد، سلامت روان است. منظور از

عقلی که انسان در برابر احساس نگرانی بروز می‌دهد، فرافکنی است. (نجاتی، بی‌تا، ص ۱۸۹) فرافکنی، یک فرایند ذهنی است که فرد ویژگی‌های خود را به بیرون از خود (امور طبیعی و یا اشخاص دیگر) نسبت می‌دهد. در علم روانپزشکی، این اختلال و عملکرد نامطلوب را چنین تعریف می‌کنند که نوعی تکانه دورنی نامقبول و ناخودآگاه است که فرد دنیای خارج از خود را انکار کرده و به صورت هذیان‌های آشکار در مورد واقعیت بیرونی بروز می‌کند. (سادوک و ویرجینیا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۴) اگر چه مکانیسم‌های دفاعی می‌توانند به طور موقت ما را آرام کنند، اما در عین حال معمولاً موجب تحریف واقعیت می‌شوند و بدین ترتیب در جریان حل مسئله اختلال می‌کنند. همچنین باید افزود که افراد فرافکن ممکن است که شیوه‌های کارآمدتری برای حل مسئله را فرا نگیرند و همین موجب شود که روز به روز حل مسئله برای آن‌ها سخت‌تر و محال‌تر شود (براهنی و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۶۳).

بنابراین واکنش روانی - دفاعی انسان در مقابل کنش‌های بیرونی است که بر گمان خود، احساسات و شخصیت مردم را بازگو می‌کند اما در حقیقت ویژگی‌های خود را بازگو می‌کند. به بیانی روشن‌تر می‌توان گفت تشخیص فرافکنی در فرد برابر با آگاهی از ضمیر ناخود آگاه و درون فرد است. در خور توجه است که محرک اصلی اراده که انسان را به فعالیت وادار می‌کند، همان هدف است. بنابراین عملکرد و فعالیت‌های منکران حکایت کننده‌ی اهداف شوم آن‌ها است که به خوبی می‌تواند تبیین‌گر شخصیت منکران باشد.

۱-۲. فرافکنی منکران نسبت به انبیاء

خداوند متعال در آیات متعددی از تبعیت و تقلید کورکورانه جاهلان و کافران خبر می‌دهد: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/ ۱۷۰) «و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی

کنید»؛ می‌گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم.» آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟» بنا بر تصریح آیه، کافران از پدران خود بدون هیچ دلیل و علمی پیروی می‌کردند چنان‌که در ادامه آیه با عبارت «لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» نشان می‌دهد که



آن‌ها در پیروی از پدران خود هیچ ملاک منطقی و عقلانی نداشتند زیرا کافران در صورت عدم علم و هدایت آباء خود، همچنان مصر بر پیروی از آن‌ها بودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۹) از این رو، ملاک پیروی عقیدتی و عملی آن‌ها، عملکرد آباء آن‌ها بوده است هرچند که گفتارهایی بدون پشتوانه علمی و افسانه بوده است. آیاتی دیگر نیز مؤید چنین رفتاری هست: «بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ» (مومنون/ ۸۱).

حال قابل توجه است که کافران همین ویژگی بارز در نحوه عملکرد نسبت به آباء خود را به انبیاء نسبت می‌دادند، چنان‌که در ادامه آیه ۸۱ سوره مومنون نسبت به بعث و معاد می‌گویند: «لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (مومنون/ ۸۳) بعث و معاد را جزء اساطیر و افسانه‌های پیشینیان تلقی می‌کنند بدین معنی که وعده بعث قدیمی است و حقیقتی ندارد (فخر

رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۵۶) این توصیفی که آن‌ها برای وعده‌ی انبیاء به کار می‌برند، به طور کامل در مورد خود آن‌ها صادق است که پیرو آباء و افکار خرافاتی آن‌ها بودند. از این رو می‌توان بروز این نوع رفتار کافران را جزء مصادیق مکانیسم دفاعی فرافکنی برشمرد. همچنین باید افزود که خداوند متعال، منشاء این نوع نسبت‌ها و اتهام زنی‌ها را زنگارهای دل می‌داند که این زنگار نیز اثر و پیامد عملکرد آن‌ها است: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین / ۱۴) «نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است».

نمونه‌ای دیگر برای فرافکنی افراد در هنگام اتهام زنی به انبیاء را می‌توان به آیه ۵۰ سوره نور اشاره داشت: «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ إِنْ تَأْتُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (نور / ۵۰) «آیا در دل‌هایشان بیماری است، یا شک دارند، یا از آن می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه،] بلکه خودشان ستمکارند». خداوند در این آیه با به کار بردن بل اضراب تبیین می‌کند که ستمکاران حقیقی، خود منافقان هستند. (درویش، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۶۳۷) یکی از کاربردهای حرف عطف «بل»، ابطال حکم ماقبل بل است (سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۱۹؛ شرتونی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۷) بدین معنی که رابطه مضمونی جملات طرفین «بل»، رابطه تقابلی دارند. در آیه مورد نظر، جمله ماقبل بل «أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ» بیان می‌کند که منافقان از ظلم خداوند و پیامبر به خود می‌ترسند اما جمله بعد از بل «أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» از آن جمله اعراض می‌کند و ظالمان حقیقی را خود منافقان معرفی می‌نماید. در واقع، نگرشی که آن‌ها نسبت به خدا و پیامبر داشتند، به طور کامل در مورد خود آن‌ها ساری و جاری بود و آن‌ها این ویژگی (ظالم) را به بیرون از خود نسبت می‌دادند و بدان‌ها اتهام می‌زدند. این مفهوم در آیات متعددی از جمله عنکبوت / ۴۰، روم / ۹، آل عمران / ۱۱۷، اعراف / ۱۶۰، توبه / ۷۰،

هود / ۱۰۱ و ... نیز بیان شده است.

شایان ذکر است که خداوند ویژگی درونی آن‌ها را با تاکید بیان می‌کند؛ کاربرد ضمیر فصل رفعی میان مبتدا و خبر معرفه از ساختارهای تاکیدی در بلاغت است. (شرتونی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۰۶) که این نشان می‌دهد نه تنها تصورشان در مورد نبی صحیح نیست بلکه به طور کامل در ویژگی شخصیتی آن‌ها قابل وصف است.

افتراء، اتهامی دیگر است که کافران به انبیاء نسبت می‌دادند. افتراء از ریشه «فری» در

۱۴۱۲، ص ۶۳۴) خداوند متعال در سوره فرقان، کلام کافران در مورد قرآن را این‌گونه حکایت می‌کند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا» (فرقان: ۴) بدین معنی که کافران، قرآن را دروغی بزرگ می‌دانستند و از نگاه کافران، رسول اکرم (ﷺ) کتاب آسمانی قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۳۷۴) مضمون این دروغ دانستن قرآن از سوی پیامبر در آیات متعددی تکرار شده است چنان‌که در آیات «وَ إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ



فرهنگنامه‌های لغت عربی، به هرگونه بریدن و قطع کردن گویند که در هر دو مورد اصلاح و افساد به کار می‌رود اما در قرآن کریم برای موارد مذموم و افساد به کار رفته است. به بیانی روشن‌تر، افتراء به معنای جدا شدن از حق است که دروغ و سحر می‌تواند از مصادیق آن باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۷۷؛ راغب اصفهانی،

را از پیامبر مبرا می‌کند و قرآن کریم را تصدیق کننده‌ی کتب آسمانی پیشین معرفی می‌کند: «وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (یونس / ۳۷) بلکه افزودن بر آن، عملکرد و برخورد آن‌ها با الهه ساختگی‌شان را افک می‌نامد: «فَلَوْ لَا نَصَّرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَ ذَلِكُمْ إِفْكُهُمْ وَ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (احقاف / ۲۸) در واقع، خداوند پندار بت پرستان در شفاعت کردن الهه را افک و افتراء برمی‌شود و این در حالی است که بت پرستان، قرآن کریم را افک می‌دانستند. بدین ترتیب می‌توان چنین برداشت کرد که آن‌ها همان عملکرد توخالی خود نسبت به الهه را به پیامبر نسبت می‌دادند.

نمونه‌ای دیگر از نمود فرافکنی در اتهام زنی‌های منکران آیات ۲۵ و ۲۶ سوره قمر است. خداوند متعال در آیه ۲۵ می‌فرماید: «أَلْقَى الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشْر» (قمر / ۲۵) «آیا از میان ما [وحی] بر او القا شده است؟ [نه،] بلکه او دروغ‌گویی گستاخ است». برای قوم ثمود، پذیرش فردی با رسالت نبوت از میان خودشان محال بود از این رو با استفاده از استفهام انکاری، بشر بودن پیامبر و فرستاده را باور نکردند و به او نسبت «کذاب» و «اشر» را دادند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۸۰) بدین معنی که هیچگاه حضرت صالح (ﷺ) پیامی از سوی خداوند دریافت نکرده است و به دروغ خود را فرستاده‌ی خدا معرفی می‌کند و همچنین ایشان در ارتباط و پیوند خود با خداوند دچار کبر شده است و از روی طمع زیادی چنین خود را معرفی کرده است. (قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۴۳۲)

اما عبارت قرآنی که ذهن خواننده را به فرافکنی قوم ثمود سوق می‌دهد، آیه‌ی بعدی آن است. خداوند متعال به دنبال جمله‌ی قوم ثمود، از عاقبت آن‌ها چنین خبر می‌دهد: «سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَابِ الْأَشْر» (قمر / ۲۶) «به زودی فردا بدانند دروغ‌گوی گستاخ کیست». نکته‌ی قابل

قالوا ما هذا إلا رجُلٌ يريد أن يصدِّكُم عما كان يعبد آباؤكُم و قالوا ما هذا إلا إفكٌ مفترى و قال الذين كفروا للحق لما جاءهم إن هذا إلا سحرٌ مبين» (سبأ / ۴۳) و «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ» (احقاف / ۱۴). از سویی دیگر، قرآن کریم نه تنها این اتهام

توجه در جایی است که خداوند همان دو اتهام قوم ثمود را در مورد ویژگی‌های قوم ثمود به کار می‌برد. این نوع کاربرد نشان می‌دهد که آن‌ها همان دو ویژگی و غرض درونی خویش را به پیامبرشان بهتان می‌زدند و به بیان روانشناسی برون فکنی و فرافکنی می‌کردند.

مثال قرآنی دیگر برای این پدیده روانشناسی را می‌توان از آیه ۱۳ سوره بقره نام برد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ» (بقره/ ۱۳) «و چون به آنان گفته شود: «همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید»، می‌گویند: «آیا همان گونه که کم‌خردان ایمان آورده‌اند، ایمان بیاوریم؟» هشدار که آنان همان کم‌خردانند؛ ولی نمی‌دانند.» بنا بر آیه ذکر شده، افراد بی‌ایمان از ایمان آوردن ابا داشتند و ایمان آوردن را عملی نابخردمندانه تصور می‌کردند. در واقع، ایمان و باور مومنان را عملی سفیه تلقی کرده و مومنان را سفیه می‌خواندند، اما خداوند متعال در ادامه سخنان آن‌ها، نسبت سفاهت را به خود آن‌ها برمی‌گرداند. بدین معنی که افراد بی‌ایمان، نابخردی درونی خویش را به دیگران نسبت می‌دادند و این در حالی است که آن صفت و نسبت در مورد خود آن‌ها به طر کامل صادق است. قابل توجه است که خداوند در وصف ویژگی آن‌ها با استعمال ضمیر فصل رفعی میان مبتدا و خبر معرفه، بار تاکیدی جمله را تقویت و مضاعف می‌کند زیرا که وجود حرف مشبیه بالفعل «إن» و کاربرد جمله اسمیه خود تبیین‌گر تاکید در جمله است که افزون بر این موارد، با کاربرد ضمیر فصل رفعی تاکید جمله مضاعف گشته است.

۲-۲. راه تشخیص فرافکنی

اینک با شناخت به ماهیت فرافکنی، چگونه می‌توان این مسئله را در افراد کشف کرد؟ و به عبارتی بتوان ویژگی‌های درونی، علایق و انگیزه‌های آن‌ها را نیز دریافت؟ این

سوالی است که پس از شناخت مسئله فرافکنی برای هر خواننده‌ای پیش می‌آید که راه شناخت و تشخیص آن چیست؟ و چگونه می‌توان فرد مبتلا بدان را شناخت؟ باید توجه داشت که فرافکنی مسئله‌ای نیست که بتوان از ظاهر پوششی فرد بدان پی برد بلکه تشخیص فرافکنی وابسته به کلام و رفتارهای فرد در دوره‌ای طولانی است. بدین معنی که گفتار و نحوه عملکرد فرد مورد نظر باید به مدت قابل ملاحظه‌ای بررسی و تحلیل شود زیرا که گاه ممکن است گفتار فرد بسیار دلنشین و جذاب باشد و گاه نیز گفتار فرد فرافکن، با جسارت و توهین همراه باشد. در صورت اول، تشخیص فرافکنی فرد در گرو بررسی عملکرد وی در یک بازه زمانی طولانی است و نمی‌توان به صرف گفتارهای دلنشین، وی را از فرافکنی مبرا دانست بلکه با بررسی تمامی گفتارها و عملکردهایش می‌توان تعارض گفتار و رفتار را دریافت و آن‌گاه با دقت شدن در رفتارهایش، وی را مبتلا به فرافکنی دانست. صورت دوم، همراه‌سازی کلام با جسارت و توهین است که می‌توان از آن به پرخاشگری کلامی نام برد. اینک در ذیل به هر دو صورت پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲. صورت اول، ظاهر مقبول

خداوند متعال راه تشخیص آن را به خوبی در آیه ۴ سوره منافقون تبیین کرده است: «وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسْنَدٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ». (منافقون/ ۴) در این آیه ویژگی ظاهری منافقان از جمله چهره و جسم جزء ویژگی‌های مثبت و شگفت‌آور معرفی شده است و در واقع خداوند بدین طریق می‌فهماند که ظاهر خوب و جذاب فرد نمی‌تواند گویای تمامی ویژگی‌های درونی وی باشد. چه بسا که این ظاهر آراسته و موجه سازی ظاهری، نقاب و پوششی برای نحوه عملکرد و رفتار باشد چنان‌که قرآن کریم این تعارض ظاهر و درون را نفاق می‌داند. افزودنی است که سخنان دلنشین نیز ویژگی دیگری است

که در آیه برای این گروه مطرح شده است و این بیانگر آن است که گاه کلام و گفتار فرد با عملکرد وی در تعارض است و ممکن است فرد در گفتارش هیچ نسبت و اتهامی به دیگران نزند اما در عملکرد، رفتار و پنداشت خود، فرد مقابل را متهم به ویژگی‌های درونی خود بداند. و در فراز پایانی آیه، روشن می‌شود که این گروه در طرز تفکر و پندار متفاوت با ظاهر خود هستند بدین صورت که مومنان را دشمنان خود تلقی می‌کنند و هر صدایی را علیه و به ضرر خود تصور می‌کنند و این در حالی است که دشمن واقعی خود آن‌ها هستند.

نه بالعکس. در نتیجه می‌توان برخورد آن‌ها با مومنان را فرافکنانه دانست؛ زیرا که خصلت خود را برای مومنان متصور بودند.

۲-۲-۲. صورت دوم، پرخاشگری کلامی (اتهام)

منظور از پرخاشگری کلامی و اتهام، اقوال نامناسبی است که فرد برای دیگران به کار می‌برد. کلام و گفتار مجموعه‌ای از نشانه‌های صوتی است که به جهت انتقال افکار، مفاهیم و برقراری ارتباط میان انسان‌ها به کار می‌رود. (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۸۲، ص ۶۹) کلام هر فردی می‌تواند گویای علایق، نگرش و انگیزه‌های وی



منافقان همیشه در صدد پنهان کردن کفر درون خویش بودند و از پی بردن مومنان به درون خود ترسان بودند، بدین جهت هر صیحه را علیه خود می‌پندارند. اما خداوند متعال از عملکرد آن‌ها پرده برمی‌دارد که آن‌ها خود در عداوت و دشمنی با مسلمانان هستند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۸۱) در واقع، پنداری که آن‌ها نسبت به مسلمانان دارند نه تنها صحیح نیست بلکه در مورد شخص خود منافقان صادق است. از این رو، قرآن کریم در ادامه با جمله اسمیه «هُمُ الْعَدُوُّ» به مخاطبان و خوانندگان قرآن می‌فهماند که این دشمنی را خود منافقان نسبت به مسلمانان دارند

باشد. خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره محمد می‌فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ وَ لَوْ نَشَاءُ لَأَرْبِنَاكُهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعَرَفْنَاهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ.» «و اگر بخواهیم، قطعاً آنان را به تو می‌نمایانیم، در نتیجه ایشان را به سیمای [حقیقی] شان می‌شناسی و از آهنگ سخن به [حال] آنان پی خواهی برد؛ و خداست که کارهای شما را می‌داند». خداوند در این آیه نحوه شناخت و اطلاع از چهره واقعی افراد را در گفتار و کنایات آن‌ها می‌داند که می‌توان افراد را از طرز سخن گفتن، کنایه‌ها و تعریض‌ها

شناخت.

همچنین امیرالمومنین حضرت علی (ع) بدین مهم توجه خاص داشته است: «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۵۴۵) یکی از راه‌های شناخت افراد، کلام و گفتار آن‌ها است. شاعران عرب نیز بدین مسئله روانشناسی پی برده و آن را در قالب شعر سروده‌اند: «إِذَا سَاءَ فِعْلُ الْمَرْءِ سَاءَتْ ظُنُونُهُ / وَ صَدَقَ مَا يَعْتَادُهُ مِنْ تَوْهَمٍ» (المعری، بی‌تا، ص ۳۸۶) مصراع دوم این شعر به گونه‌ای تعریف فرافکنی است که در این مصراع افراد بدکردار، انسان‌های پاک را به دلیل آلوده‌های درونی خویش آلوده می‌بینند.

پرخاشگری در انسان‌ها به شکل اعمال خشن نسبت به دیگران فرض می‌شود، اما باید توجه داشت که بسیاری از رفتارها هرچند با آسیب فیزیکی همراه نیستند اما پرخاشگرانه محسوب می‌شوند. چنان‌که پرخاشگری کلامی یکی از انواع رفتارهای پرخاشگرانه است. (سادوک و ویرجینیا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۴) در این نوشتار سعی بر این بوده است که بتوان پرخاشگری کلامی در اتهام زنی‌های کافران را توصیف و تحلیل کرد. نکته حائز اهمیت در جایی است که عامل تاثیرگذار در بروز این نوع رفتارهای پرخاشگرانه را بجوئیم. به بیانی دیگر، محرکه‌ی ظهور رفتار پرخاشگرانه چیست؟

احساس ناکامی، عامل بسیار مهم در پرخاشگری افراد است. (سادوک و ویرجینیا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۸) گاهی اوقات انسان‌ها در زمانی که مطلوب و مقصود خود را از دست داده و یا بدان نمی‌رسند، رفتارهای پرخاشگری همچون پرخاشگری کلامی (اتهام) به اطرافیان نشان می‌دهند. شاید بتوان گفت که فرد با رفتار پرخاشگرانه خود، راهی نادرست برای اظهار وجود انتخاب کرده است و گمان کرده بدین طریق می‌تواند توجه دیگران را به خود جلب نماید و یا اقتدار از دست رفته‌ی خود را با چنین رفتاری بازسازی کند.

تعدد اتهامات کافران در طول تاریخ و

حکایت‌های قرآن از عملکرد انکاری و تکذیبی آن‌ها به کثرت در کلام خداوند متعال دیده می‌شود. کافران در هر دوره ای با اتهام زنی‌های متفاوت قصد انکار انبیاء را داشته‌اند که یکی از این موارد نسبت سحر به معجزات انبیاء بوده است. به طور مثال، خداوند متعال در آیه ۲ سوره مبارکه قمر می‌فرماید: «وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ». «و هرگاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند: «سحری داریم است». خداوند واژه «آیه» در عبارت «إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» را به صورت اسم نکره به کار می‌برد که با توجه به قاعده «نکره در سیاق شرط افاده عموم می‌کند» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۴۹)؛ می‌توان مفهوم آیه مورد نظر را چنین دانست که کافران در مواجهه با هر یک از معجزات انبیاء اعراض کرده و به گونه‌های مختلف اتهام زنی می‌کردند که با توجه به آیه ذکر شده، بدان معجزه نسبت «سحر» می‌دادند. همچنین در آیه‌ای دیگر، واکنش آن‌ها نسبت به تمامی انبیاء چنین می‌فرماید: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» (ذاریات / ۵۲) تمامی انبیاء را نسبت ساحر و مجنون می‌دادند.

نمونه‌هایی دیگر از اتهام‌زنی‌های کافران و منکران نسبت به انبیاء، کاهن، مجنون، شاعر و دروغگو است. به عنوان نمونه، کافران مکه در برخورد با پیامبر اسلام (ص) و منذر بودن ایشان چنین گفتند: «وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» و به ایشان جادوگر و دروغگو نسبت دادند. اما خداوند متعال، این گونه نسبت‌های ناروا و اتهام را از انبیاء مبرا کرده است. در مورد تنزیه نبی اکرم (ص) از اتهام کهنانت و شاعری چنین می‌فرماید: «وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (حاقه / ۴۱-۴۲). همچنین قرآن در مورد متهم کردن پیامبر به جنون چنین حکایت می‌کند: «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مَجْنُونٌ» (دخان / ۱۴)

قابل توجه است که این اتهام‌زنی با

یکدیگر نیز در تعارض است. دقت در دو اتهام «کهنانت» و «جنون» این تناقض گویی کافران و منکران را روشن‌تر می‌کند؛ ویژگی کهنانت با هوش همراه است، کاهنان معمولاً افراد باهوشی بودند که با ادعای دسترسی به اخبار غیبی و استفاده سوء از هوش خود، مردم را به لغو سرگرم می‌کردند، بنابراین زمانی که صفت کهنانت برای فردی به کار می‌رود، وصف هوش بالایی برای او انتظار می‌رود. حال آن‌که مجنون، فردی است که از هوش کافی برخوردار نمی‌باشد و به بیانی دیگر، عقل وی زایل شده است. بدین ترتیب پس از تعریف و توصیف دو صفت «کهنانت» و «جنون» می‌توان چنین برداشت کرد که به کاربردن این دو به طور همزمان برای انبیاء (همچون آیه ۲۹ طور) تناقض گویی محسوب می‌شود زیرا که از یک طرف، ایشان را به برخورداری از هوش بالا وصف کردند و از سویی دیگر به زوال عقل وصف کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۷، ص ۳۷۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۴۴).

۲-۳-۲. بسترهای زمینه ساز فرافکنی

با تعمق در آیات قرآن کریم می‌توان بسترها و عوامل زمینه ساز در فرافکنی افراد را دریافت که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۱-۳-۲. بشری بودن پیامبر: یکی از بسترهای زمینه‌ساز در فرافکنی نسبت به انبیاء، بشر بودن و همجنس بودن ایشان با مردمان است. این واقعیتی است که خداوند بر بشری بودن انبیاء تأکید می‌کند: «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» (ابراهیم / ۱۱) و بدین نحو، خود پیامبران بر بشری بودن خود اذعان دارند. اما عقاید منکران انبیاء اینگونه بود که رسول خدا چگونه می‌تواند هم‌جنس خودشان باشد و آن را امری بعید و محال می‌دانستند. بدین گونه که در آیه ۲۵ سوره قمر با استفهام انکاری، رسول خدا را به دلیل جنس بشری ایشان انکار کردند: «أَلَقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ» (قمر / ۲۵). همچنین آیاتی دیگر نیز حاکی از آن است که فرستاده خدا را به جهت بشر بودن، جزء مکذبان برمی‌شمردند: «وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ

مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ» (شعراء / ۱۸۶) و «قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ» (یس / ۱۵). و حتی پیروی کنندگان از فرستاده خدا را فریاد می‌زدند: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِآدَى الرَّأْيِ وَ مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ» قابل توجه است که گاه بشری بودن فرستاده خدا را در صورت تحقق شروط خودشان می‌پذیرند. در آیه‌ای دیگر ویژگی‌های بشری بودن را از جمله غذا خوردن و در بازار راه رفتن را از فرستاده خپدا بعید می‌دانستند: «وَ قَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا» (فرقان / ۷) و یا خوردن و آشامیدن را برای فرستاده محال تلقی می‌کردند: «مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ» (مومنون / ۳۳)

افزون بر این، گاه شروط و قیدهایی را جهت اطمینان از رسول بشری تعیین می‌کردند تا بدین نحو معیار فرستاده خدا با معیارهای پوچشان منطبق شود. به طور مثال در سوره فرقان، داشتن گنج و باغ را جزء نشانه‌های رسول تلقی می‌کردند: «أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا» (فرقان / ۸). بنا براین زمانی که انتظار آن‌ها از فرستاده خدا مبنی بر گنج داشتن و سایر ملاک‌های خرافی محقق نمی‌گشت، به انبیاء زمانه خود اتهام و نسبت‌های ناروا از جمله کذاب، اشیر، مسحور و ... می‌زدند و یا اینکه ویژگی‌های درونی خود را به انبیاء نسبت می‌دادند و بدین شیوه سعی بر این داشتند تا بتوانند شرایط پیش آمده را تغییر دهند. بدین ترتیب در آیه ۲۵ و ۲۶ سوره قمر به خوبی مشاهده می‌شود که به دنبال انکار حضرت صالح (ع)، نسبت کذاب و اشیر را به ایشان دادند. همان دو ویژگی که در مورد خودشان صادق بود و خداوند در آیه ۲۶ از حقیقت واقعی آن‌ها در روز موعود خبر می‌دهد.

۲-۳-۲. **تعصبات جاهلی:** منکران انبیاء خود بر این امر معترف بودند که ملاک برخورد آن‌ها با انبیاء زمانه خود و دستورات ایشان، پیروی و تقلید از اجدادشان بوده است: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/ ۱۷۰) طبق آیه، منطق سست منکران و تقلید کورکورانه از اجدادشان مانع از پیروی از خداوند و رسول است. نکته‌ی در خور توجه در جایی است که خداوند، آب‌اء آن‌ها را با عبارت «كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» توصیف می‌کند و بدین صورت برای منکران تبیین می‌کند که هیچ ملاک صحیح و منطقی در این نوع تقلید وجود ندارد. و این همان جایی است که با وجود مشاهده و ناظر بودن بر معجزات و پینات نبی، باز به وی ایمان نمی‌آورند: «... أَنْتَ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (تغابن/ ۶)

بنابراین خداوند متعال نه تنها اینگونه اطاعت و پیروی را صحیح نمی‌داند بلکه آن را نشأت گرفته از هوس و بدون علم می‌داند: «بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (روم/ ۲۹) با بررسی آیات هم مضمون با تقلید کورکورانه



می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از عوامل زمینه ساز برای انکار و نسبت‌های ناروا به انبیاء، تحجر فکری آن‌ها است که بدون هیچ

دلیل منطقی و علمی از روش پیشینیان پیروی کردند اما با این حال ویژگی «رذل» را به پیروان انبیاء نسبت می‌دادند: «قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكُمُ الْأَرذَلُونَ» (شعراء/ ۱۱۱)

۲-۳-۳. **جهل عوام:** یکی از بسترهای مناسب برای فرد فرافکن، استفاده از جهل و نادانی قشر معمول جامعه است. بدین معنی که سران و پادشاهان با استفاده سوء از قدرت سیاسی خود و جهل مردم سعی در فریفتن مردم دارند. داستان حضرت موسی (ع) و فرعون نمونه‌ای قرآنی مناسب برای این بستر زمینه ساز است. فرعون در آیه ۵۱ سوره زخرف چنین می‌گوید: «وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (زخرف/ ۵۱) «و فرعون در قوم خود ندا در داد (و) گفت: «ای مردم (کشور) من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر (کاخ) های من روان است از آن من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟» فرعون با ارزش‌های قلابی، نگاه عوام را به خود جلب کرد تا بدین طریق از نفوذ حضرت موسی (ع) در افکار مردم مصر جلوگیری کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۸۴) همچنین وی در آیه ۱۶۰ از دیگر، از تغییر آیین مردم و افساد توسط حضرت موسی (ع) اظهار نگرانی می‌کند: «... إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (غافر/ ۲۶) با این حال وی، صحنه‌ای جهت هم‌آوردی با ساحران فراهم کرد تا بدین طریق حضرت موسی (ع) را مغلوب کند: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُونَنِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ» (یونس/ ۷۹) اما پس از مغلوب شدن ساحران، همچنان به رویه خود ادامه داد و حتی حضرت موسی (ع) را به سحر نسبت داد: «فَتَوَلَّى بُرْكَانِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» و بدین طریق وی، قوم خود را تا ورطه گمراهی کشاند و هم‌راه با وی در رود نیل در حال کفر مردند: «وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى» (طه/ ۹۷)

همان‌طور که در آیات بالا مشاهده می‌شود، فرعون با سوء استفاده از نادانی مردم و یا مغلطه کاری سعی در فریفتن عوام دارد و

دقیقا همان حيله‌ای را که برای شکست حضرت موسی (ع) به کار می‌برد و ساحرانی را برای شکست ایشان استخدام می‌کند، همان حيله را



به حضرت موسی (ع) نسبت می‌دهد و بدین طریق حيله خود را به حضرت موسی (ع) فرافکنی می‌کند.

نتیجه گیری

فرافکنی در اتهام‌زنی‌های کافران به موارد ذکر شده در این نوشتار محدود نمی‌شود و در این مجال سعی بر آن بوده است که تاثیر توجه بدین مسئله روانشناختی در شناخت منکران را تبیین و شفاف سازی کند. نتایجی که از این تحقیق حاصل می‌شود این است که یکی از راهکارهای منکران دعوت انبیاء، انکار آن‌ها به شیوه فرافکنانه بوده است؛ بدین معنی که منکران همان ویژگی شخصیتی خود را به پیامبر زمانه خود نسبت می‌دادند. بنا بر آیات قرآن کریم، دو صورت برای شناخت رفتارهای فرافکنانه قابل تصور است که عبارتند از پرخاشگری کلامی (اتهام‌ها) و نحوه عملکرد در رفتار. آن‌ها در رفتارهای پرخاشگرانه از نسبت‌هایی همچون ساحر، کاهن، مجنون و شاعر به انبیاء دریغ نمی‌کردند و حتی گاه نسبت‌هایی متعارض به ایشان نسبت می‌دادند. منکران جهت توجیه سازی اعمال خود و انکار انبیاء، از موقعیت‌ها و بسترهای زمینه ساز استفاده می‌کردند که از جمله آن بشری بودن پیامبر، تعصبات جاهلی و تقلید کورکورانه از آب‌اء خود و جهل مردم بوده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریتا ال؛ هیلگارد، ارنست (۱۳۸۲ش)، زمینه روانشناسی، ترجمه مترجمان زیر نظر محمدتقی براهنی، تهران، رشد.
۳. جوادی آملی، عبدالله، پرتال اسراء. (۱۳۹۱/۰۱/۲۶)
۴. درویش، محی الدین (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن الکریم و بیانه، حمص، الارشاد.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم- دارالشامیه.
۶. سادوک، بنیامین و ویرجینیا (۱۳۸۲ش)، خلاصه روانپزشکی، مترجم نصرت الله پورافکاری، تهران، آینده سازان.
۷. سیوطی، جلال الدین (۱۳۹۴ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.
۸. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۵ش)، دیدگاه‌های روانشناختی حضرت آیه الله مصباح یزدی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. شررتونی، رشید (۱۳۸۶ش)، مبادی العربیه فی الصرف و النحو، تهران، اساطیر.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، مصحح صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ق)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۵. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه فولادوند

پیام رهبر انقلاب در پی جسارت به ساحت قرآن مجید در سوئد

بسم الله الرحمن الرحيم

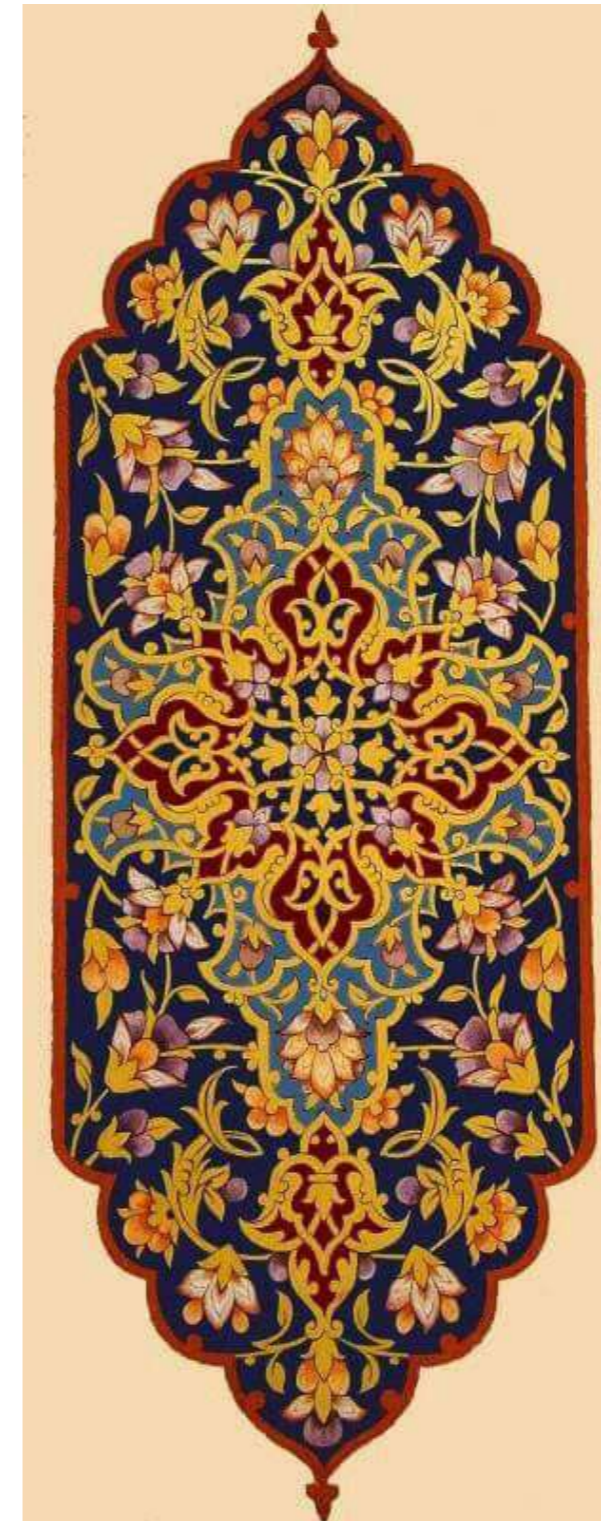
جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید در سوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است. اشد مجازات برای عامل این جنایت مورد اتفاق همه علمای اسلام است، دولت سوئد نیز باید بداند که با پشتیبانی از جنایتکار، در برابر دنیای اسلام آرایش جنگی گرفته و نفرت و دشمنی عموم ملت‌های مسلمان و بسیاری از دولت‌های آنان را به سوی خود جلب کرده است.

وظیفه آن دولت آن است که عامل جنایت را به دستگاه‌های قضایی کشورهای اسلامی تحویل دهد. توطئه‌گران پشت صحنه نیز بدانند که حرمت و شوکت قرآن کریم روز به روز افزون‌تر و انوار هدایت آن درخشان‌تر خواهد شد، امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیر این درخشش روزافزون باشند. «والله غالب علی امره»

سیدعلی خامنه‌ای
۳۱ تیرماه ۱۴۰۲



گناه بزرگ و نابخشودنی یک نشریه‌ی فرانسوی در اهانت به چهره‌ی نورانی و قدسی حضرت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) بار دیگر عناد و کینه‌ی شرارت‌بار دستگاه‌های سیاسی و فرهنگی دنیای غرب با اسلام و جامعه‌ی مسلمانان را آشکار ساخت. بهانه‌ی آزادی بیان برای محکوم نکردن این جرم بزرگ که از سوی برخی سیاستمداران فرانسوی گفته شده کاملاً مردود و غلط و عوام‌فریبانه است.



- (قرآن کریم) (۱۴۱۸ق)، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱۶. قطب، سید (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
 ۱۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۸. المعری، ابوالعلاء (بی‌تا)، معجز احمد. (کتابخانه فقاقت).
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۰. نجاتی، محمد عثمان (بی‌تا)، قرآن و روانشناسی، مترجم عباس عرب، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
 ۲۱. وثوقی، نیک خلق؛ علی اکبر منصور (۱۳۸۲ش)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، بهینه.



سیده محبوبه کشفی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز

چرا کشتی امام حسین (علیه السلام) اسرع و اوسع است؟

در روایتی شریف از معصوم (علیه السلام) کشتی حسین (علیه السلام) به نعت اسرع و اوسع توصیف گردیده است؛ سخن در دلالت‌ها و مصادیق این بیان، شریف است و نموده‌های آن در زمانه ما آشکار است. جامعه با اصلاح و تربیت عوام و قبل از آن، خواص سامان می‌یابد؛ آن هم تربیت دینی‌ای که فاعلیت و قابلیت خود را به منصف ظهور رسانده باشد؛ دین منتهی به عاشورایی

ورزی برای جامعه؛ نتیجه این که فهم و زیست عاشورایی همه آنچه صلاح حداکثری جامعه است، را رقم خواهد زد. اسرع بودن کشتی امام حسین (علیه السلام) یعنی از امتحان و رنج به زرنگی و دون مایگی نگریختن؛ مواجهه فعال و مسئولانه با امتحان رنج‌آور و نگریختن از آن. اساس دین در میدان فتنه و امتحان به ظهور می‌رسد. امام حسینی زیستن، ما را



زیستن.

اسرع بودن کشتی امام حسین (علیه السلام) یعنی ظرفیت اعلائی آن در نخبه‌سازی و خواص پروری. و اوسع بودن آن یعنی بهره عمومی دین

و در ادامه، به حیات دین‌مدارانه سوق می‌دهد تا همه سپهرهای سه‌گانه زیبایی‌شناسی اخلاقی زیستن و دین‌مداری مورد بحث «کیرگور» را در خود جمع نماید و همه سطوح معرفتی انسان‌ها شامل شود.

اسرع بودن کشتی حسینی یعنی سهل‌یاب‌ترین پاسخ به معنای زندگی و چرایی رنج. و اوسع بودنش یعنی فطری‌ترین و همه فهم‌ترین پاسخ‌ها به این پرسش‌های اساسی؛ آنچه که فلسفه‌های بشری از تبیین، توجیه و ارائه آن ناتوانند.

اوسع بودن کشتی حسینی یعنی توقف همه این‌ها بشر مقابل صحنه‌ای که همه ابعاد مواجهه وجودی همچون مرگ، معنا و رنج را در خود جای داده است. از این منظر، این مواجهه وجودی به سان سوالی فلسفی و دینی نیست که بتوان بی‌پاسخ از آن گذر کرد، بلکه یک تراژدی عظیم است که با مواجهه‌ی عاطفی، عقل و معرفت را به حرکت، تکاپو و پاسخ وامی‌دارد.



اسرع بودن کشتی حسینی به وصول پرشتاب عقول نخبگانی این‌ها بشر به گوهر اساسی دین است که از رهگذر نگریستن به ابعاد بهت‌آفرین انسان برساخته دین که رنج به ظاهر گزاف را به زیبایی و جمال تعبیر می‌نماید. اوسع بودن کشتی حسینی یعنی رویارویی همگانی با تمام عاطفه، طیب، مروت و اوج دیانت

در مقابل کمال غلظت، خبثت، لثامت و حسیض انسانیت؛ جایی که نمی‌توان با کلیدواژه‌های مدارا و بی‌طرفی لیبرالی از اعلام موضع طفره رفت. و اسرع بودن آن یعنی موضع‌گیری فوری و صف بندی بی‌گفتگوی سعادت‌مندان کندرو در جناح امام حسین (علیه السلام)؛ این سرعت در اقصای فارغ از مجادله؛ در هیچ بحث فلسفی، خداشناسی و کلامی متصور نیست.

کشتی حسینی اوسع است؛ چون به همه نحله‌های فلسفی، دینی، مذهبی و الحادی توفیق محک‌زنی و شرکت در امتحان سعادت بخشی را می‌دهد که مشخص نبود قبل از آن، میل و بنای حضور در آن را داشته باشند. همچنین باید افزود که کشتی حسینی، اسرع است؛ چون به نوعی امتحان با سوالات مهم و بی‌ابهام است و با پاسخ‌هایی سرراست و بی‌تکلف. از این‌جاست رکوب امثال افرادی همچون رسول ترک بر این پهنه گسترده و وصول پرشتاب به مقصود.

مواجهه پرسامد و بی‌امان با دغدغه‌های وجودی و موقعیت‌های مرزی و در ادامه جوشش‌های معرفتی پرثمر و شتابنده. این‌جاست برآمدن پاک‌های مکنون «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ» و برانگیختن ظرفیت‌های به محاق رفته «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا».



دکتر حمید ایماندار
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

توسعه عقاید مذهبی از نظر حقوق بشر

چکیده

از نظر دین مبین اسلام، تمام ادیان الهی برای برقراری پیوند میان انسان و خداوند متعال و نجات و هدایت او آمده‌اند. پیامبران عظیم‌الشان الهی نیز همه برای دعوت انسان به سوی خداوند و گسترش عدالت برانگیخته شده‌اند. از آنجا که هدف نهایی همه یکی است؛ هیچ‌کدام نه تنها دیگری را رد نکرده است، بلکه پیامبران پیش از خود را تصدیق کرده و آمدن پیامبر پس از خود را نوید داده‌اند.

از دیدگاه اسلام، تمام سنت‌های الهی از ابتدا تاکنون در قالب احکام شریعت توسط پیامبران الهی برای نجات انسان آورده شده است. به همین دلیل است که خداوند متعال به کسانی که ایمان آورده و کسانی که آیین یهود و مسیحیت و صابئین را برگزیدند، چنین وعده می‌دهد که اگر به خدا و روز باز پسین ایمان داشته باشند و عمل صالح به جای آورند، خدا به آنها پاداش نیک می‌دهد و نه بیمناک شوند و نه غمگین گردند.



مقدمه

اسناد بین‌المللی حقوق بشر همگی بر آزادی مذهبی، یعنی آزاد بودن هر فرد در انتخاب هرگونه عقیده دینی و انتساب به هرگونه مذهبی و تغییر مذهب، تأکید دارند. در ذیل به بررسی اسناد مذکور خواهیم پرداخت. در بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است. که هیچ‌کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهبی با معتقدات به انتخاب خویش لطمه وارد آورد. مهم‌ترین مقرره‌ی بین‌المللی برای حمایت از حق آزادی مذهبی فرد، ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجراء شد.

بر اساس ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که به حقوق به رسمیت شناخته شده در ماده ۱۸، برای تمام افراد حاضر در حیطه صلاحیتی خود احترام گذارند و آن حقوق را قطع نظر چستی مذهب، برای آنها تضمین نمایند. همچنین لازم به ذکر است ماده ۲۷ مقرر می‌کند که افرادی با اقلیت‌های مذهبی یک کشور را نمی‌توان از حق اظهار مذهب خود و یا عمل به آموزه‌های دینی خود در جامعه منع نمود. تا تاریخ ۷ جولای ۲۰۰۳، تعداد ۱۴۹ دولت یعنی حدود سه چهارم دولت‌های جهان، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا نمودند. دولت‌های پرمجمعیتی که این معاهده را امضا و تصویب نکردند عبارتند از چین، اندونزی، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه.

در مواردی امضای یک معاهده، دولت را ملزم به اجرای مفاد آن می‌کند و تنها در مواردی می‌توان آن را اجرا نمود که حق شرطی بر خلاف آن وجود داشته باشد. اثر حق شرط این است که دولت حق شرط‌گذار را نسبت به آن بخش از معاهده که موضوع حق شرط است، از تعهد معاف می‌کند. کمیته‌ای که نزد آن می‌توان به خاطر نقض‌های ماده ۱۸ دادخواهی نمود، کمیته حقوق بشر است که بر اساس ماده ۲۸ میثاق

حقوق مدنی و سیاسی، تشکیل شده است. یکی از کارکردهای این دیوان، بررسی ادعاهای افراد دولت‌های عضو پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (پروتکل اختیاری) است که ادعا می‌کنند توسط دولت‌ها، قربانی نقض حقوق مندرج در میثاق شدند. چنین افرادی که به آنها «اعلام‌کننده» گفته می‌شود، می‌توانند بر اساس ماده ۱ پروتکل اختیاری، اعلامات خود را برای بررسی به کمیته حقوق بشر تسلیم نمایند. بر اساس قسمت «ب» از بند ۲ ماده ۵ پروتکل اختیاری، چنین اعلاماتی تنها در صورتی بررسی می‌شوند که تمامی دادخواهی‌های داخلی انجام شده باشد و بی‌نتیجه مانده باشد. با این حال، اگر کمیته حقوق بشر به این نتیجه برسد که اجرای چنین دادخواهی‌هایی به نحو غیر منطقی طولانی شده است، اعلامی که به وی تسلیم شده است را قابل پذیرش تشخیص خواهد داد. (سایت حوزه)

حقوق بشر

حقوق بشر نیز در بررسی گزارش‌های ادواری دولت‌ها، به مسأله‌ی توهین به ادیان توجه نموده است. در این کمیته، قوانینی را که به نحوی به مسأله توهین به مقدسات در ارتباط هستند، مورد بررسی قرار می‌دهد؛ به طور مثال در مورد ماده ۱۸۸ قانون اتریش، توضیح خواسته است و یا از فنلاند توضیح خواسته است که چرا ممنوعیت تبلیغات ضددینی در این کشور تنها در مورد منکران خداوند اعمال می‌گردد و آیا حق اظهار نظر علیه ادیان در این کشور رعایت می‌گردد؟ همچنین از آلمان در مورد چگونگی تفسیر قوانینی که فحاشی به مقدسات کلیساهای محلی و یا سایر گروه‌های دینی را ممنوع می‌کند، سوال کرده است.

کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ به مسأله «مقابله با ارائه تصویر منفی از ادیان» پرداخته و قطعنامه‌های متعددی را در این زمینه منتشر کرده است. همچنین در مورد ارائه تصویر غلط و منفی از ادیان به خصوص، قرین‌سازی اسلام با نقض حقوق بشر و تروریسم ابراز

نگرانی کرده و بر نقش رسانه‌های جمعی نوشتاری و صوتی-تصویری در تحریک به بیگانه‌ستیزی، ناشکیبایی و تبعیض علیه اسلام و سایر ادیان تأکید کرده است. و در مورد فعالیت‌های گروه‌های افراطی در ارائه تصویر منفی از ادیان، به خصوص فعالیت‌های دولتی در این زمینه ابراز ناخشنودی کرده است. این کمیسیون از دولت‌ها می‌خواهد که از کلیه حقوق بشر که به سبب ارائه تصویر منفی از ادیان نقض می‌گردد، حمایت مقتضی را مبذول دارند و تمام توان خود را در مورد ترویج مدارا و احترام به تمامی ادیان و نظام‌های ارزشی به کارگیرند و در رسیدن به این مقصد، فزونی آگاهی در مورد تمدن‌ها و فرهنگ‌ها از طریق ارتباط و تعاون را سودمند و وسیله‌ای برای پیشبرد حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌داند و از جامعه بین‌المللی می‌خواهد که توسط یک کنفرانس جهانی، فرهنگ مدارای مبتنی بر احترام به حقوق بشر و تنوع دینی را به پیش ببرند و از ارباب رسانه‌های جمعی می‌خواهد در این کنفرانس مشارکت نمایند. کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۲۰۰۲/۴۸ راجع به آزادی بیان، ابراز نگرانی همیشگی خود در سوء استفاده از قوانین مربوط به توهین و بدگویی از جمله اعمال حبس، قتل و آزار خبر می‌دهد.

تعدد را منتشر کرده است. حائز اهمیت است که با وجود تصویب این قطعنامه‌ها، متأسفانه از طرف دولت‌های غربی عضو مورد پشتیبانی قرار نگرفته است؛ زیرا پیشنهاد این قطعنامه‌ها توسط دولت‌های اسلامی و اعضای سازمان کنفرانس اسلامی بوده است و هیچ‌یک، به اتفاق آرا مورد پذیرش اعضا قرار نگرفته است.



نتیجه‌گیری

در جهان معاصر، حقوق بشر و مطالبات مربوطه از جمله برجسته‌ترین گفتمان‌های عمومی است که در اقصی نقاط جهان نمود یافته است. جوهره مطالبات ملت‌ها، ارتقای رعایت کرامت انسانی آن‌ها از سوی دولت‌های مختلف و احترام گذاشتن به حقوق برای بهره‌مندی از یک حیات معقول و هدفمند و رو به کمال لازم است. یکی از عرصه‌های محتوایی که می‌تواند ضعف نظری، سوءاستفاده کاربردی و رویکرد ابزاری دولت‌های مزبور به حقوق انسان‌ها را نشان دهد، نحوه مواجهه آن‌ها با آموزه‌ها و مقدسات ادیان الهی به خصوص دین مبین اسلام است. آزادی فکر، آزادی بیان و حق هر انسان به اعتقاد دینی و وجدانی‌اش قابل احترام است، همچنین که آزادی نظر و بیان و ابراز عقیده دینی (نه صرف داشتن عقیده مطلق نیست) و قیود مشخصی را به موجب قانون می‌توان در هر جامعه مردم‌سالار بر حق مزبور وارد کرد. بیان نفرت‌آمیز و موجب تبعیض و خشونت نسبت به مقدسات در اسناد حقوقی بین‌المللی که طی ۶ دهه گذشته پس از شکل‌گیری سازمان ملل تصویب شده، متنوع شده است. چنانچه مواد ۱۸، ۱۹ و

۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بسیاری از دیگر اسناد حقوقی بین‌المللی دقیقاً بر این موارد تأکید دارند. در انتها نیز باید گفت بخش‌های تخصصی حقوقی سازمان ملل از جمله گزارشگران موضوعی مربوط به آزادی بیان، آزادی عقیده و منع تبعیض و بیگانه‌ستیزی، موضع‌فعالی را در این زمینه اتخاذ کنند و با عدم تحرک خود موجب گسترش کینه‌ها و عداوت‌ها از سوی توهین‌کنندگان به مقدسات، در سطح جهانی نشوند. از نهادهای قضایی کشورهای مختلف، خصوصاً کشورهایی که توهین‌کنندگان به مقدسات میلیون‌ها دین‌دار در آنجا مقیم هستند، نیز انتظار می‌رود که نقش بازدارندگی خود برای رعایت حقوق انسان‌ها و جلوگیری از رفتارهای نفرت‌انگیز و مروج خشونت را به نحو مؤثری نشان دهند. رسانه‌ها نیز در این زمینه مسئولیت سنگینی دارند تا با رعایت حقوق و اخلاق حرفه‌ای اجازه ندهند که برخی به نام جریان آزاد اطلاعات و با سوءاستفاده از امکان رسانه‌ای، بنیان‌های قواعد حقوقی و اخلاقی جامعه بشری را به سُخره گیرند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. kamenei.ir
۳. ستایش پور، دکتر محمد؛ خلیلی، اعظم (۱۳۹۹)، مقاله توهین به مقدسات از منظر حقوق بشر، فصلنامه قانون یار، شماره ۱۶.



احمدرضا پوردرویش
دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق
دانشگاه شیراز



پس از کمیسیون جانشین آن، شورای حقوق بشر نیز در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ این روند را پیگیری و مجمع عمومی نیز در این زمینه اسناد

معرفی کتاب

دروغ‌پردازی و افترا، مسئله‌ای چالشی و با قدمتی دیرینه است که هیچ دوره‌ای از زمان را نمی‌توان بدون وقوع آن تصور کرد. ستمگران و استبدادگران در هر دوره‌ای از تاریخ زیست خود برای حفظ منافع و محقق کردن امیال نفسانی خود، به انبیاء و اولیای الهی افترا زده و سعی در تخریب اذهان عوام نسبت به آنان بودند. با تامل در مجموع آیات قرآن کریم و روایات می‌توان چنین دریافت که آن‌ها گاه رذایل اخلاقی خود را به انبیاء و اولیای الهی نسبت می‌دادند و ایشان را برخلاف فضایل اخلاقی‌شان به مردم معرفی می‌نمودند.

به نظر می‌رسد که هر فردی با توجه به این هجمه‌ها و افتراهای موجود در ادوار تاریخ باید بر خود لازم بداند که به فهم صحیح و مطابق بر واقع پیرامون این گونه دروغ‌پردازی‌ها

اهمیت دهد. از جمله کتاب‌های تبیین‌گر در مسئله افترا، کتابی با عنوان «دروغ‌پردازی‌ها علیه مقدسات» است که سید هاشم موسوی جزایری آن را تالیف کرده است. افزودنی است که این کتاب به قلم حمید محمد قاسمی، به فارسی برگردانده شده است و در انتشارات پیام کتاب به چاپ رسیده است. این کتاب شامل ده فصل پیرامون انواع مصادیق افتراها و دروغ‌پردازی‌ها است که به به بیشتر افتراها و بهتان‌هایی که درباره افراد در تاریخ پرداخته است که از جمله آن افترا بر خداوند متعال، افترا بر قرآن کریم، افترا بر حضرت رسول (ﷺ) و ائمه (علیهم‌السلام)، افترا بر انبیاء پیشین، افترا بر برخی زنان در تاریخ و ... است.



سیده محبوبه کشفی
دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شیراز



اهانت به معبودان مشرکان

امروزه در جهان مدرن با پیشرفت علوم ارتباطات و فناوری‌های نوین برای تعامل و گفتگو میان افراد از نژادها و ادیان مختلف، بررسی نظر اسلام در مورد مسامحه و گفتگو میان ادیان، مهم است. خداوند متعال نه تنها دشنام دادن به مقدسات سایر ادیان را نهی کرده است، بلکه رعایت اصول ادب، عفت و نزاکت در بیان را در برابر خرافی‌ترین و بدترین ادیان

کردارشان آگاه می‌گرداند».

دلیل این موضوع روشن است؛ زیرا با دشنام و ناسزا نمی‌توان کسی را از مسیر غلط بازداشت و حتی به عکس، تعصب شدید آمیخته به جهالت در این گونه افراد سبب می‌شود که در آیین باطل خود راسخ‌تر شوند. در این مبحث روایتی از امام صادق (ع) در ذیل آورده می‌شود: «سُئِلَ عَنِ قَوْلِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ الشِّرْكَ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى صَفَاءِ سَوْدَاءَ فِي لَيْلِهِ ظَلَمَاءَ قَالَ كَانَ الْمُؤْمِنُونَ يَسُبُّونَ مَا يَعْبُدُ الْمُشْرِكُونَ مِنْ دُونِ اللهِ وَكَانَ الْمُشْرِكُونَ يَسُبُّونَ مَا يَعْبُدُ الْمُؤْمِنُونَ فَتَهَيَّ اللهُ عَنْ سَبِّ آلِهَتِهِمْ لَكِنِّي لَا يَسُبُّ الْكُفْيَارُ إِلَهَ الْمُؤْمِنِينَ فَيَكُونُ الْمُؤْمِنُونَ قَدْ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ فَقَالَ وَ لَا تُسَبُّوا



الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ (حراعلمی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۵۵) «پیرامون این فرموده پیامبر اکرم (ﷺ) «همانا شرک نامحسوس‌تر از راه‌رفتن مورچه بر روی سنگ صاف و سیاه در شب تاریک است»، از امام صادق (ع) سؤال شد. ایشان فرمود: «مؤمنان آنچه را مشرکین به جز خدا عبادت می‌کردند، دشنام می‌دادند و مشرکان به آنچه مؤمنان می‌پرستیدند، بدگویی می‌کردند. پس خدا مؤمنین را از دشنام‌دادن به

لازم می‌شمارد: «وَلَا تُسَبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۱۰۸/ انعام) و (شما مؤمنان) به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید تا مبدا آنها از روی ظلم و جهالت خدا را دشنام دهند. این چنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده‌ایم، سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و خدا آنان را به

یادداشت

راهنمای پرهیزگاران

ای قرآن عزیز، ای سراسر نور و آگاهی، وجودت سایه‌بانی امن برای رفع ملال و دل آزرده‌گی ماست. هر زمان که تنهایی، دل‌های مضطرب ما را به بند می‌کشد، آیات زلال و همچون آینه‌ات ما را با خداوند -این یار همیشگی- پیوند می‌دهد. آن که با تو انس می‌گیرد، از بیم و تردید و نومیدی رها می‌شود و به سرمنزل مقصود دست می‌یابد. در این بین، اما عده‌ای که جهالت را مانند بت می‌پرستند، تو را با عداوتی عظیم می‌سوزانند و در آغوش تاریکی و هم‌نوا با آن، تمام ارزش‌های اخلاقی را به سخره می‌گیرند. آری همان کسانی که خدا را از صحنه‌ی زندگی خود خارج نموده‌اند و هم‌پیمان با شیطان بر ارتکاب گناهان اصرار دارند و به تو بی‌شرمانه اهانت می‌کنند، قادر به مشاهده نیکی‌ها نیستند و از آن‌ها در زندگی الگو نمی‌گیرند. ای قرآن مبارک، نام تو هرگز از یاد انسان‌های راست کردار محو نخواهد شد و تعالیم حیات بخشت همواره ماندگار خواهد بود.



زهرا شمشیری
دانش آموخته کارشناسی حقوق
دانشگاه شیراز



در بردارنده‌ی چنین اصول اخلاقی است، هتک حرمت کنند. با بررسی آیات و روایات روشن می‌شود که در اسلام حفظ کرامت و عزت باقی ادیان و عقاید دیگر مذاهب، اهمیّت بالایی دارد و فرد مسلمان باید بدون سوگیری به بحث و گفتگو با سایر ادیان بپردازد.

فهرست منابع

۱. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت (عج).
۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم، دارالحدیث.



زهرا زارعی
دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق،
دانشگاه شیراز

خدایانشان نهی کرد تا کفار، خدای مؤمنان را مورد دشنام قرار ندهند و بدین وسیله مؤمنان برای خدای عزوجل نادانسته شریک قائل نشوند». آنگاه فرمود: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ». سهل است که زبان به بدگویی و توهین نسبت به ساحت قدس پروردگار بکشایند، چرا که هر گروه و ملتی نسبت به عقاید و اعمال خود، تعصب دارد. امام صادق (ع) فرمود: «وَإِيَّاكُمْ وَ سَبَّ أَعْدَاءِ اللَّهِ حَيْثُ يَسْمَعُونَكُمْ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ قَدْ بَيَّنَّغِي لَكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا حَدَّ سَبِّهِمْ لِلَّهِ كَيْفَ هُوَ إِنَّهُ مِن سَبِّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَقَدْ أَنْتَهَك سَبِّ اللَّهِ وَ مَنْ أَظْلَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِمَّنْ اسْتَسَبَّ لِلَّهِ وَ لِأَوْلِيَائِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۲۲) «و پرهیزید از دشنام دادن به دشمنان خدا، آن‌جا که از شما» «فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» می‌شنوند و شایسته است که بدانید دشنام به خدا چه اندازه‌ای دارد و چگونه است؟ راستش، هرکس به اولیای خدا دشنام بدهد، دشنام به خدا را از پرده به در آورده، و چه کسی نزد خدا ستمکارتر است از آن کسی که برای خدا و دوستانش دشنام‌تراشی می‌کند؟!»

دعوت به چنین رفتار حسنه‌ای نه تنها در قرآن و روایات، بلکه در تورات نیز مورد توجه قرار گرفته است. چنان‌چه از امام باقر (ع) مثل شده است: «فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ فِيمَا نَجَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهٖ مُوسَى بِنَ عَمْرَانَ (ع) بِمَا مُوسَى (ع) أَكْتَمَ مَكْتُومَ سَرِّی فِی سَرِّی تَك وَ أَظْهَرَ فِی عَلَانِیَّتِكَ الْمُدَارَاةَ عَنِّی لِعَدُوِّی وَ عَدُوِّكَ مِنْ خَلْقِی وَ لَا تَسْتَسَبِّ لِی عِنْدَهُمْ بِأَظْهَارِ مَكْتُومِ سَرِّی فَتَشْرَكَ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّی فِی سَبِّی». (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۰۳) «در تورات در مناجات خدای عزوجل با موسی (ع) نوشته شده است: «ای موسی (ع)! سِرِّم را در رفتار خودت پنهان کن، و در علانیت، مدارا را با دشمن خودم و خودت بر مردم عیان کن، و نزد آنان برایم با پدیدار کردن راز نهانم دشنام متراش، تا با آنان در دشنام به من شریک نشوی»

بنابراین، دور از عدل و انصاف است که دشمنان اسلام بدون توجه به محتوای قرآن که



مناسبت‌ها

- ۵ تیر شهادت امام محمد باقر (ع)
- ۷ تیر روز عرفه
- ۸ تیر عید سعید قربان
- ۱۳ تیر ولادت امام علی النقی الهادی (ع)
- ۱۶ تیر عید سعید غدیر خم
- ۱۸ تیر ولادت امام موسی کاظم (ع)
- ۵ مرداد تاسوعای حسینی
- ۶ مرداد عاشورای حسینی
- ۶ مرداد عاشورای حسینی
- ۲۱ مرداد شهادت امام زین العابدین (ع)
- ۱۵ شهریور اربعین حسینی
- ۲۳ شهریور رحلت رسول اکرم (ص)؛ شهادت امام حسن مجتبی (ع)
- ۲۵ شهریور شهادت امام رضا (ع)



حقیرهای همیشه ناکام

جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید درسوئد، حادثه‌ای تلخ و توطئه‌آمیز و خطرآفرین است... امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیری از رخس روزافزون باشند.

پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
در بی جسارت به ساحت مقدس قرآن مجید درسوئد
۱۴۰۲/۰۴/۳۱





عصرنا